

عنوان مقاله:

رئالیسم و رویکردهای رقیب به سیاست خارجی

محل انتشار:

فصلنامه راهبرد، دوره 18، شماره 3 (سال: 1389)

تعداد صفحات اصل مقاله: 30

نویسنده:

علی اکبر اسدی

خلاصه مقاله:

مقاله حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش است که کدام یک از نظریه های رئالیستی می توانند چهارچوب مفهومی جامع تر و مناسب تری را برای تبیین سیاست خارجی کشورها ارائه نمایند. در این راستا ضمن اشاره به مبانی مشترک و مناظره های درونی رئالیسم به نحوه نگاه و تبیین رئالیسم کلاسیک، رئالیسم ساختارگرا و رئالیسم نوکلاسیک به مقوله سیاست خارجی پرداخته شده است. تاکید رئالیسم کلاسیک بر سرشت قدرت طلب انسان و ویژگی های دولت ها در تبیین سیاست خارجی و عدم توجه کافی به عوامل سیستمی و در مقابل عدم توجه رئالیسم ساختارگرا به عوامل سطح واحد و تاکید صرف بر متغیرهای کلان سیستمی از نارسایی های این دو نظریه برای تبیین سیاست خارجی محسوب می شود. مهم تر اینکه در نورئالیسم متغیر وابسته اصلی که نظریه پردازان در پی تبیین آن هستند، مولفه ها و نتایج بین المللی است و بررسی سیاست خارجی دغدغه عمده ای محسوب نمی شود. در حالی که رئالیسم نوکلاسیک متغیر وابسته مورد بررسی خود را سیاست خارجی می داند و این نظریه در درجه نخست، نظریه ای برای تبیین سیاست خارجی دولت هاست. استدلال اصلی این است که رئالیسم نوکلاسیک به دلیل توجه همزمان به عوامل سطح سیستمی به مثابه متغیر مستقل و عوامل سطح واحد به عنوان متغیر میانجی و تلقی سیاست خارجی به عنوان متغیر وابسته اصلی می تواند چهارچوب مفهومی جامع تری را برای تبیین سیاست خارجی در مقایسه با رئالیسم کلاسیک و ساختارگرا ارائه دهد

کلمات کلیدی:

رئالیسم#172، سیاست خارجی، رئالیسم نوکلاسیک، رئالیسم ساختارگرا، رئالیسم کلاسیک

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1349996>

